



شبکه یک	
مجموعه داستانی پادری	۹/۳۰
حرف حساب	۱۶/۰۵
کارنامه صد	۱۶/۵۵
فرمول يك	۱۷/۵۰
سریال بوی باران	۲۲/۰۵
دستپخت	۲۳/۱۰

شبکه دو	
سعادت‌آباد	۱۲/۱۵
خانم و آقای پاریسی	۱۴
کام شیرین، با تغییرات ساختاری و با محوریت لزوم ازدواج، به معیارهای انتخاب همسر و تعریف عشق و محبت با هدف ترویج تشکیل خانواده و فرهنگ سازی پیرامون مشاوره قبل از ازدواج می‌پردازد.	۱۷/۳۰

دوقلوها	۱۸/۴۵
هزاره رفته	۱۹/۳۰
سریال سلام آقای مدیر	۲۱/۳۵

شبکه سه	
سمت خدا	۱۳/۳۰
عصر جدید (تکرار)	۱۴/۳۰
مستند سه	۱۷/۳۰
محرمانه	۱۹/۱۵
بدون توقف	۲۰
سریال آچمز	۲۰/۵۰
عصر جدید	۲۲/۳۰

شبکه پنج	
روز تازه	۶/۳۰
شگفتی‌های حیوانات	۱۱/۳۰
تانیابش	۱۲/۱۵
رنگین کمان	۱۵
به خانه برمی‌گردیم	۱۷
تهران ۲۰	۲۰
شب فیروزه‌ای	۲۱/۳۰
سریال مامور انتقال	۲۳

شبکه نمایش	
مظنونین	۱۳
آقای آزاد	۱۵
حلقه سیاه	۱۷
ماریج ۳	۲۱
خواستگاری	۲۳

شبکه قرآن و معارف	
روزی بهتر (خانواده و بهداشت، خانواده و حقوق، خانواده و فضای مجازی، خانواده و تربیت فرزندان و خانواده و اخلاق) از جمله موضوعاتی است که با حضور کارشناسان از جمله اکبری، بدائی، اسماعیل تبار، سویری و حجت الاسلام والمسلمین تراشپون به آنها پرداخته می‌شود.	۹/۰۵

نور علی نور	۱۳/۳۵
تفسیر سوره نور (حجت الاسلام دکتر فیعی)	۱۴/۳۰
پرسمان	۱۶
یاد خدا	۱۹/۱۰
تلاوت‌های درخواستی	۲۲
سریال خورشید شب	۲۳

شبکه‌های رادیویی	
معارف، صبح روشن / وفاداری	۹/۰۵
قرآن، قرآن و زندگی / نگاه اجتماعی و کاربردی به آیات قرآن و ارائه سبک زندگی اجتماعی قرآنی به کارشناسی مهدی رستمی	۹/۱۰
صبا، راپورتیجی / مرور زندگی دیکتاتورهای جهان و سلاطین و همچنین اتفاقات جالب و شنیدنی از جنگ‌های تاریخی در قالب روایت و نمایش طنز	۱۱/۳۰



عباس نعمتی، نویسنده سریال بوی باران به پرسش‌ها و انتقادات مردم در مورد این مجموعه پاسخ می‌دهد

## ۶ پرسش داغ از «بوی باران»



فاطمه عودباشی

رسانه

مردم سؤالات مختلفی شکل بگیرد.

۱- بوی باران به نویسندگی عباس نعمتی و کارگردانی محمود معظمی از چندی پیش روانه آنتن شبکه یک شده است. تا به امروز سی و اندی قسمت از این مجموعه ۷۰ قسمتی پخش شده و مخاطبان در هر يك از قسمت‌های این مجموعه با اتفاقات زیادی روبه‌رو می‌شوند که برخی از این اتفاقات تلخ هستند. همچنین تا به امروز ابهامات زیادی در گره‌های قصه وجود دارد که همین باعث شده برای

تعداد پرسش‌های مردمی کم نیست، به‌ویژه این‌که سؤالات ابهام‌آمیز مردم به فضای مجازی هم سرایت کرده و مرتب درباره بخش‌های مختلف فیلمنامه و اتفاقاتش مطالبی نوشته می‌شود. یکی از مسائلی که منجر به شکل‌گیری سؤالات شده، این است که چرا پلیس نقش پررنگی در این سریال ندارد؟ چرا ما در همه صحنه‌ها فقط شاهد يك بازپرس و يك پلیس هستیم؟ این در حالی است که در عالم واقعیت این طور نیست و با هر صحنه قتلی که رخ می‌دهد، پلیس نقش پررنگی دارد و حضور بازپرس و قاضی کشیک متفاوت است.

برخی سؤالات هم مربوط به شخصیت برهان قصه می‌شود که چرا

رفتارهایش توجیه درستی ندارد، حتی این اتفاق درباره کاراکتر نگوس محمدی در لباس شخصیتی به نام ترانه هم پیش آمده است که چرا با وجود داشتن تحصیلات عالی‌ه اما اشتباه زیاد انجام می‌دهد و برخی کارهایش غیرمنطقی است!

تعداد سؤالات مردمی بعد از پخش قسمت شنبه‌شب دوازدهم مرداد بیشتر شده است و در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد. همین پرسش‌هایی که معمولاً بینندگان سریال بوی باران درباره قصه و دیالوگ‌های آن دارند باعث شد تا به سراغ عباس نعمتی فیلمنامه‌نویس این سریال برویم و با او درباره ابهامات مختلف قصه صحبت کنیم.

### ۲- قصه ما پلیسی نیست، معمایی است!

**انتقاد:** حالا مگر سریال بوی باران شخصیت‌محور است مثل سریال پوآرو که فقط يك کارآگاه و يك سربازرس وجود داشته باشد؟ بوی باران يك ملودرام جنایی معمایی است که اتفاقات مختلف رخ می‌دهد. بنابراین حضور پلیس و آگاهی در صحنه‌های مختلف قتل و جنایت لازم است.

**دفاع:** باز هم تاکید می‌کنم باید سریال‌های روز دنیا را دید که در چنین سریال‌هایی وقتی جنایت رخ می‌دهد و از آنجا که قصه با يك نفر جلو می‌رود، به همین دلیل پلیس قصه ثابت است. ضمن این‌که سریال ما پلیسی نیست، بلکه سریال بوی باران، معمایی است و قصه ترانه روایت می‌شود. اگر سریال ما پلیسی بود، حرف شما درست بود و ما باید در بخش‌های مختلف قصه، پلیس و قوه قضاییه را نشان می‌دادیم که عملکردشان به چه شکلی است، اما ما يك سریال معمایی داریم.

جنس قصه به این اندازه طلب می‌کرد که ما يك بازپرس و يك پلیس داشته باشیم و مخاطب با پیشرفت قصه همه اجزای زندگی آنها را بداند. بنابراین بازپرس و پلیس قصه ما در جای درست‌شان قرار گرفتند. از سوی دیگر در قصه ۷۰ قسمتی تا این اندازه می‌توانستیم پرداخت به شخصیت‌ها داشته باشیم و نمی‌توانستیم با ورود کاراکترهای جدید مخاطب را گیج کنیم. چون ذهن مخاطب تا يك حجمی می‌تواند کاراکترها را تحمل کند. اگر قرار بود پلیس‌های دیگر به قصه اضافه می‌شدند، یعنی باید کلی اجزای دیگر به قصه اضافه می‌کردیم و روابط عاطفی، کاری و... آنها هم به تصویر می‌کشیدیم.

بنابراین این کاملاً از حوصله مخاطب خارج بود و حتی به ضرر پلیس بود و حسن کار محسوب نمی‌شد. البته در صحنه‌ای از سریال شما پلیس اتباع را می‌بینید که ما به‌ناچار شخصیت دیگری قرار دادیم و چاره‌ای نبود. اگر می‌توانستیم همین عباس را به عنوان نماینده پلیس اتباع هم قرار می‌دادیم.

تعداد کاراکترهای پلیس فقط باعث ازهم‌گسیختگی نخ تسبیح کار و برای مخاطب گیج‌کننده می‌شد. مگر آن‌که می‌خواستیم يك قصه ۱۵۰ قسمتی بسازیم. به همین دلیل داستان‌های پلیسی که تعداد قسمت‌هایشان هم کم نبود مثل پوآرو، فقط يك کارآگاه و يك سربازرس بود تا نخ تسبیح قصه از بین نرود.

همسرش روبه‌رو می‌شود، به همین دلیل آلت قتاله را بر می‌دارد و ... واکنش همه آدم‌ها یکی نیست که شما این طور می‌گویید.

ضمن این‌که این را باید قبول کنید که بین تصویری که يك فرد از رفتارهایش در لحظه فاجعه دارد با زمانی که در لحظه فاجعه قرار می‌گیرد واکنش نشان می‌دهد. کاملاً فرق دارد. این مبحث روان‌شناسی است و هر کسی در لحظه‌های بحران رفتارهای متفاوتی دارد. برایتان مثالی می‌زنم. وقتی زلزله اتفاق افتاد بعضی از مردم دست به غارت زدند و به فروشگاه‌ها حمله کردند. در حالی که وقتی از آنها پرسیده شد که آیا هنگام زلزله دست به غارت زدن زده‌اند، آنها پاسخ منفی داده بودند؛ اما بعد از این‌که فیلمشان را نشان دادند که در هنگام زلزله این کار را کرده بودند، انکار کردند و گفتند که خودشان نیستند. بنابراین هیچ فردی هنگام بحران آگاهانه تصمیم نمی‌گیرد، بلکه به شدت تحت تاثیر ناخودآگاه است. ضمن این‌که من واکنش ترانه را در این سکانس از يك پرورنده واقعی برداشته بودم.

### ۱- قاعده تکرار شده سینما و تلویزیون

**انتقاد:** از ابتدای سریال خبری از پلیس‌ها و بازپرس‌ها نیست و فقط دو شخصیت وجود دارد که یکی رستگار، بازپرس قصه هست و دیگری عباس که نماینده پلیس است. در همه صحنه‌ها فقط این دو حضور دارند و دیگر مخاطب پلیس آگاهی را نمی‌بیند و این جای تعجب دارد که چرا در همه پرورنده‌ها فقط پای این دو نفر در میان است و پلیس و آگاهی هم دیده نمی‌شود. این دو در جریان قتل فرشته حضور دارند. وقتی سهیل به قتل می‌رسد از ترانه بازجویی می‌کنند و ... این موارد مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفته و بارها مطالبی در این باره منتشر کردند که چرا پلیس و آگاهی حضورش در قصه کم‌رنگ است.



**دفاع:** اگر نگاهی به همه سریال‌های پلیسی دنیا داشته باشید، متوجه خواهید شد همیشه يك شخصیت ثابت برای پلیس و کارآگاه در نظر گرفته می‌شود. برایتان مثالی می‌زنم. مثل سریال پوآرو، فقط سر بازرس جپ در همه صحنه‌های قتل کنار پوآرو بود. مگر می‌شود در كل لندن فقط يك سربازرس وجود داشته باشد؟ مگر فقط جپ بود، چرا سربازرس‌های دیگر نمی‌آمدند؟ مگر در لندن پلیس‌های مختلف جرم‌شناسی و ... نبودند؟

بنابراین وقتی شما فیلم یا سریال می‌نویسید باید به گونه‌ای شخصیت‌ها را طراحی کنید که تبدیل به يك نماد شوند و مخاطب ارتباط عاطفی با آنها برقرار کند. در چنین قصه‌هایی متداول است که ما يك پلیس به نمایندگی داشته باشیم که مخاطب هم تا انتهای قصه با شخصیت او و دیگر ویژگی‌هایش همذات‌پنداری کند.

این قاعده تکرار شده سینما و تلویزیون است و مخاطب هم می‌داند که پلیس داستان همین فرد است. بنابراین ما رستگار را به عنوان نماینده بازپرس و عباس را به عنوان نماینده پلیس انتخاب کردیم و در صحنه‌های مختلف حضور آنها دیده می‌شود.

### ۳- واکنش ترانه از يك پرورنده واقعی اخذ شده

**انتقاد:** سهیل به قتل رسید. ترانه بالای سر او می‌رسد و با جنازه سهیل روبه‌رو می‌شود. اولین کاری که می‌کند این است که تاپلیور ماشین‌های سنگین را از روی زمین بر می‌دارد و بالای سر سهیل می‌ایستد. نگاهش به يك زن و شوهر می‌افتد که او را با تاپلیور بالای سر سهیل می‌بینند. بی‌هدف و در حالی که این ابزار در دستش است که به خون سهیل آغشته شده، به سمت در ورودی شرکت راه می‌افتد. مردم از او می‌ترسند و فرار می‌کنند. این واکنش ترانه به گفته برخی از منتقدان دم دستی و غیرعقلانی بود.

**دفاع:** هر فردی وقتی با بحران روبه‌رو می‌شود، واکنشش متفاوت است و باید تفاوت روانی آدم‌ها را در نظر بگیرد. واکنش ترانه هم بر اساس شوکی است که به او وارد شده است. او چند دقیقه قبلش با همسرش تلفنی صحبت می‌کند، اما ناگهان در شرکت با جنازه



یادداشت: امیر... احمدجو

کارگردان

### به برنامه‌ریزی منسجم نیازمندیم

۲- بسیاری از برنامه‌های تلویزیون و مجموعه‌های نمایشی که برای گذران اوقات فراغت مخاطبان تولید می‌شوند به لحاظ این‌که در زیگورنه سرگرمی قرار می‌گیرند متمرکز شده‌اند بر سوزهای معمولی و نه چندان بکر. این در حالی است که جریان سرگرمی‌سازی جهانی چه در تولید سریال و چه در تولید فیلم و چه حتی تولید محتوا برای رسانه‌های اشتراکی به سمت هدف‌گذاری‌های سیاسی-اجتماعی حرکت کرده است.

به عنوان کسی که در گونه تاریخی کار کرده‌ام همواره کوشیده‌ام آن عناصری از تاریخ را دستمایه کار قرار دهم که وجه امروزی داشته باشد و مخاطب در گذر دوران، مدام با آن مواجه باشد.

این تاکید بر عناصر فرازمانی موجب می‌شود که ماندگاری اثر هم بالاتر رود و مخاطبی که در زمان تولید فلان سریال، کودکی بیش نبوده وقتی به نوجوانی و بزرگسالی می‌رسد تازه بهفهم چقدر سریال جذاب بوده است.



مخاطبان روزگار ما مخاطبانی هستند که دوستدار شفافیت و خلوص نیت هستند. اگر این شفافیت و خلوص را در محصولات تلویزیونی ببینید یقین بدانید که با روی باز از آنها استقبال می‌کنند ولی اگر خلوص نباشد هرچقدر هم که هزینه پروداکشن شده باشد و هرچقدر هم که بازیگر مطرح در کار باشد باز هم برای مخاطب چندان فرقی نمی‌کند که چه چیزی جلوی رویش است.

کمی‌گرایی زمانی برای استمرار تجربه‌های موفق بود ولی حالا می‌بینیم این کمی‌گرایی رازگاه به قیمت از دست رفتن کیفیت تمام می‌شود و مخاطب چاره‌ای ندارد جز این‌که بعد از تماشای يك هفته یا دو هفته سریال، از کنار آن رد شود و به سراغ سریال بعدی برود. این یعنی آن که برنامه‌ریزی منسجمی برای تولید نداشته‌ایم.

دوستان همکار نباید سعی کنند بر تجربه‌های موفق تکیه کنند و اتفاقاً باید تا حد ممکن اتفاقات پیرامونی را وارد تخیل داستانی خود کنند.

هر اتفاق و حادثه سیاسی-اجتماعی-ورزشی-اقتصادی که در این کشور روی می‌دهد قابلیت کار منسجم نمایشی را دارد؛ اگر صاحبان آثار دارای بینش و بصیرت لازم برای به‌کارگیری جزئیات آن حادثه در دل داستان باشند.

این بهترین راهکار است برای بالا بردن کیفیت محصولات تلویزیونی در کوتاه‌مدت، ۲